

The Model of the Expressive System Governing the Verses of the Holy Quran on the Topic of Women

Seyedeh Shirin Hejazi¹

Asiyeh Rahnema²

Received: November 11, 2025 . Accepted: December 21, 2025

Abstract

Despite the numerous researches conducted on the topic of women in the Quran, various challenges and questions in this field remain unanswered. The common trend in research is comparative analysis or a focus on a single aspect of the issue. The present study, using thematic content analysis and library research, comprehensively studies and analyzes the Quranic verses on the topic of women. The existence of an expressive connection between the verses showed that the verses concerning women can be considered as a single coherent text. The expressive axes of the verses were extracted under the categories of form, subject, indicator, obligation (taklif), and criterion of expression, and consequently, the model of the expressive system governing the verses in question was delineated. Furthermore, the present research demonstrates the coherence and semantic connection between verses that are located separately in different surahs. The results of this study can serve as a prelude for metatextual analyses and new discourse analysis on the topic of women.

Keywords: Quran, Woman, Thematic Content Analysis, Expressive Axis, Expressive System.

1. PhD in Quranic and Hadith Sciences, Member of the Research Group for Interdisciplinary Studies of Quranic and Hadith Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author); sshhejazi@gmail.com.

2. Master's student in the field of Quranic Inimitability (I'jaz), Shahid Beheshti University, Tehran, Iran; a.rahnamaeramsadati@mail.sbu.ac.ir.

نموذج النظام البياني الحاكم على آيات القرآن الكريم في موضوع المرأة

سيدة شیرین حجازی^۱

آسیه رهنما^۲

تاریخ الاستلام: ۲۱ آبان ۱۴۰۴ هـ.ش . تاریخ القبول: ۱ دی ۱۴۰۴ هـ.ش

الملخص

على الرغم من كثرة الدراسات التي تناولت موضوع المرأة في القرآن الكريم، ما تزال هناك إشكاليات وتساؤلات متعددة في هذا المجال لم تتم الإجابة عنها بعد. ويغلب على البحوث السابقة اعتماداً التحليل المقارن أو التركيز على جانب واحد من الموضوع. أما البحث الحالي، فقد اعتمد منهج تحليل المحتوى الموضوعي، إلى جانب البحث المكتبي، لدراسة آيات القرآن الكريم المتعلقة بالمرأة دراسةً شاملة. وقد أظهر وجود الترابط البياني بين الآيات أنه يمكن النظر إلى الآيات ذات الصلة بموضوع المرأة على أنها نصّ واحد منسجم، كما أمكن استخراج المحاور البيانية للآيات تحت عناوين: القلب، والموضوع، والمؤثر، والتكليف، ومعياري البيان، ومن ثمّ رسم نموذج النظام البياني الحاكم على هذه الآيات. كما يثبت هذا البحث وجود الانسجام والترابط الدلالي بين الآيات التي وردت متفرقة في سور مختلفة من القرآن الكريم. وتُعدّ نتائج هذا البحث مدخلاً مناسباً للتحليل التداولي والتحليل الحديث للخطاب في موضوع المرأة.

الكلمات المفتاحية: القرآن، المرأة، تحليل المحتوى الموضوعي، المحور البياني، النظام البياني.

۱. دكتوراه في علوم القرآن والحديث، وعضو في الفريق البحثي للدراسات البيئية في علوم القرآن والحديث، جامعة الزهراء (عليها السلام)، طهران، إيران (المؤلف المسؤول)؛ sshhejazi@gmail.com.

۲. طالب ماجستير في تخصص إعجاز القرآن، جامعة الشهيد بهشتي، طهران، إيران؛ a.rahnamaeramsadati@mail.sbu.ac.ir.

الگوی نظام بیانی حاکم بر آیات قرآن کریم با موضوع زن

سیده شیرین حجازی^۱

آسیه رهنما^۲

تاریخ دریافت: ۲۱ آبان ماه ۱۴۰۴ . تاریخ پذیرش: ۱ دی ماه ۱۴۰۴

چکیده

با وجود پژوهش‌های فراوانی که در موضوع زن در قرآن صورت گرفته است، همچنان چالش‌ها و سؤالات مختلفی در این زمینه بی‌پاسخ مانده است. روند رایج در پژوهش‌ها، تحلیل مقایسه‌ای و یا تمرکز بر یک جنبه از موضوع است. پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای مضمونی و جست‌وجوی کتابخانه‌ای، به مطالعه و تحلیل آیات قرآن با موضوع زن به طور جامع پرداخته است. وجود ارتباط بیانی بین آیات نشان داد که می‌توان آیات حول موضوع زن را یک متن منسجم واحد در نظر گرفت و محورهای بیانی آیات تحت عنوان قالب، موضوع، شاخص، تکلیف و معیار بیان را استخراج نمود و به دنبال آن، الگوی نظام بیانی حاکم بر آیات موردنظر را ترسیم کرد. همچنین پژوهش حاضر، انسجام و ارتباط معنایی بین آیات را که به صورت جدا از هم در سوره‌های مختلف قرار دارند اثبات می‌کند. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند مقدمه‌ای برای تحلیل‌های فرامتنی و تحلیل گفتمان جدید در موضوع زن باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، زن، تحلیل محتوای مضمونی، محور بیانی، نظام بیانی.

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث و عضو گروه پژوهشی پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ sshhejazi@gmail.com.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته اعجاز قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ a.rahnamaeramsadati@mail.sbu.ac.ir.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، از آغاز نزول خود، با طرح مفاهیمی مانند برابری در خلقت، مسئولیت پذیری مشترک و کرامت انسانی زن و مرد، تحولی عظیم در نگرش جوامع به زنان ایجاد کرد. در عصری که زن در بسیاری از جوامع به عنوان موجودی فرودست و بی ارزش تلقی می شد، قرآن کریم نه تنها حقوق و ارزش های زنان را احیا کرد؛ بلکه آنها را به عنوان عناصر اساسی در شکل گیری و پیشبرد تمدن انسانی معرفی نمود. با وجود اینکه قرآن کریم جایگاه ویژه ای برای زن قائل شده، برداشت ها و تفسیرهای متنوع از آیات قرآن موجب شکل گیری دیدگاه های مختلف درباره زن در جوامع اسلامی گردیده است.

مطالعات پیشین درباره زن در قرآن نشان می دهد که محققان مسلمان و غیرمسلمان، از زوایای مختلف به این موضوع پرداخته اند. مفسرانی همچون طبری، فخر رازی و علامه طباطبایی، بر اساس مبانی تفسیری خود، به تبیین نقش زن در آیات قرآن پرداخته اند. در مطالعات معاصر نیز پژوهشگرانی نظیر آمنه ودود و سیدابراهیم حسینی با رویکردهایی جدید تلاش کرده اند تا ابعاد نوینی از این موضوع را آشکار سازند.

پژوهش های صورت گرفته حول موضوع زن در قرآن را می توان در سه گروه جای داد: بیشتر پژوهش ها، در قالب مقایسه صورت گرفته و پژوهشگر برای تأیید جایگاه زن، در پی اثبات برابری و عدم تبعیض بین زن و مرد است. پژوهش هایی نیز با عنوان حقوق زن، جایگاه اجتماعی زن، نقش تاریخی زن در قرآن و.... انجام شده که بیانگر پژوهش های جزیره ای است که هرکدام یک جنبه از موضوع زن را مورد تحقیق و بررسی قرار داده اند. همچنین پژوهش هایی وجود دارد که کل آیات مرتبط با موضوع زن را بررسی و تحلیل کرده اند، اما در این پژوهش ها، تحقیقاتی مبنی بر بررسی وجود یا عدم ارتباط بین این آیات دیده نمی شود. در نتیجه، عدم بررسی تمام آیات مرتبط به صورت یک جا در پژوهش های صورت گرفته، نتوانسته است دیدگاه جامع قرآن را نسبت به زن مشخص کند.

خداوند در قرآن با مطرح کردن موضوعاتی مثل حقوق و وظایف زن، زن در روایات تاریخی، و زندگی شخصیت های زنانه قصد دارد نگرش های موجود در زمان نزول و بعد از آن را نسبت به زنان تغییر دهد. به نظر می رسد آنچه سبب شده است این هدف به طور کامل به ثمر ننشیند، عدم نگاه جامع به این پیام است، لذا تحلیل محتوای آیات مرتبط می تواند به عنوان یک نیاز ضروری در راستای فهم بهتر بنیان های نظری و عملی وحی در خصوص حقوق، مسئولیت ها و نقش های فرهنگی و اجتماعی زنان قرار بگیرد.

براین اساس، این مقاله در راستای روشن سازی جایگاه زن در قرآن، به بررسی و تحلیل محتوای تمام آیات مرتبط با موضوع زن می پردازد و تلاش دارد با تحلیل علمی این آیات بتواند درنهایت به یک دیدگاه جامع و صحیح از قرآن نسبت به موضوع زن دست یابد. هدف نهایی این پژوهش، تعیین محورهای بیانی آیات با روش تحلیل محتوای مضمونی است تا بتوان الگویی برای نظام حاکم بر آیات با موضوع زن ارائه داد. امید است که نتایج پژوهش حاضر بتواند به برخی چالش ها و سوء برداشت های رایج نیز پاسخ دهد.

در پژوهش حاضر برای به دست آوردن نگاهی دقیق و صحیح نسبت به آیات با موضوع زن، به دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم: آیا آیات مربوط به زن در قرآن، از نظام بیانی یکپارچه ای برخوردارند؟ محورهای بیانی حاکم بر این آیات کدامند؟ و الگوی حاکم بر این نظام چگونه قابل ترسیم است؟

۱. پیشینه پژوهش

موضوع زن در قرآن همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران علوم اسلامی، اجتماعی و انسانی بوده و آثاری در این زمینه پدید آمده است که برخی از این پژوهش ها ذکر می شوند:

- کتاب قرآن و زن (آمنه ودود، ترجمه اعظم پویا و معصومه آگاهی، ۱۳۹۳ ش)، شامل مباحث منشأ آفرینش یکسان در زن و مرد، جایگاه دنیوی و اخروی زن، و حقوق و نقش زن می باشد. نویسنده به دنبال اثبات برابری، عدالت اجتماعی و تعهد اخلاقی زن و مرد از نگاه قرآن است. همچنین در پی اثبات این موضوع است که تبیین آیات باید با توجه به شرایط زمان و مکان نزول صورت بگیرد. وی در پایان به این نتیجه رسیده که آنچه را که قرآن مخاطب قرار داده، مخصوص آن شرایط است و این امور خاص، منظور همه قرآن نیست.

- کتاب زن در قرآن (علی دوانی، ۱۳۸۵ ش)، بیان داستان زنانی است که نام آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم در قرآن ذکر شده است.

- کتاب جایگاه زن در قرآن کریم (شاهین فقیه زاده، ۱۳۹۰ ش)، با درج متن آیات نازل شده درباره زن، به شرح مختصری بر هریک از آیات مورد بحث پرداخته است.

- کتاب زن در داستان های قرآن (احمد مهدوی، ۱۳۸۸ ش)، شامل شرح داستان هایی از قرآن که قهرمان داستان، زن است همراه با ذکر نکات عبرت انگیز آن داستان ها.

- کتاب نقش تاریخی زن در قرآن (سیدابراهیم حسینی، ۱۴۰۰ش)، به تحلیل نقش زن در ادوار مختلف تاریخی از جوامع باستانی و جاهلیت عربی تا دوران مدرن پرداخته و در نگاهی دیگر، جایگاه زن از دیدگاه قرآن را در حوزه خانواده و اجتماع واکاوی کرده است.

- بر اساس مقاله «تحلیل حقیقت منزلت متعالی زن در گفتمان قرآن کریم و عترت طاهرین» (محمد شریفانی، ۱۴۰۲ش)، منزلت زنان در این گفتمان در ابعاد سیاسی، حقوقی، اجتماعی، اعتقادی، تاریخی و فقهی، مورد توجه و تعالی قرار دارد و اسلام دینی است که به زن کرامت و حقوق انسانی داده و او را به عنوان عضو مؤثر جامعه، مسئله مهم زندگی و متمم حیات انسانی به شمار آورده است.

- طبق مقاله «جایگاه زن در قرآن» (مجید سعیدی و رقیه ابراهیم نژاد، ۱۳۹۹ش)، قرآن کریم زن را در عقاید، اخلاق، آداب، تکالیف واجب، و محرمات، غالباً مانند مرد شمرده است، مگر در مواقعی ویژه، آن هم به جهت یک فلسفه عقلی.

- مقاله «بررسی نمونه‌ای از جلوه‌های گفتمان زن در قرآن کریم» (امینه سلیمانی و سیده سکینه احمدی، ۱۳۹۹ش)، به بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در قرآن کریم پرداخته است و در انتها بیان می‌دارد که قرآن، گفتمان زبانی و رفتاری خاص و کاملاً زنانه برای جنس زن ارائه داده است که به دور از هرگونه جنسیت زدگی تحقیرکننده می‌باشد.

- مقاله «شخصیت‌پردازی زن در قرآن» (علی نبی‌اللهی، ۱۳۹۰ش)، به بررسی و گاه تطبیق یافته‌های علم داستان‌نویسی، به ویژه شخصیت‌پردازی بر برخی از داستان‌ها و شخصیت‌های زن قرآنی پرداخته است تا از این میان به حقایقی که خداوند در پردازش داستان‌ها و شخصیت‌های زن در قرآن از آنها در حد کمال استفاده نموده است پی برده شود.

- مقاله «جایگاه ارزشی زن در قرآن کریم و بررسی شبهات پیرامون آن» (رضا دهقان نژاد، ۱۳۸۷ش)، ضمن اشاره به جایگاه ارزشی زن در یهودیت و مسیحیت و دوران جاهلیت جزیره العرب و دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه، آن را از منظر قرآن کریم مورد مطالعه قرار داده است. همچنین برخی از مهم‌ترین شبهاتی که در راستای احیا و تثبیت جایگاه ارزشی زن در قرآن کریم مطرح شده را نیز با استفاده از نظرات اندیشمندان و مفسران اسلامی بررسی کرده است.

- بر اساس مقاله «جایگاه زن در قرآن» (سهیلا جلالی، ۱۳۷۶ش)، قرآن در مبدأ پیدایش انسان‌ها، خلافت الهی، ارزش‌ها، برپایی عدالت، قیام به امر به معروف و نهی از منکر، بین زن و مرد تفاوتی نگذاشته است؛ بلکه تمامی خطاب‌های قرآن، متوجه روح انسان‌هاست و روح، موجودی مجرد است و جنسیت نمی‌پذیرد.

در نگاه کلی، آنچه که در پژوهش‌های ذکرشده مورد توجه قرار گرفته، بررسی جایگاه زن در مقایسه با جایگاه مرد است؛ گو اینکه مرد به عنوان الگو در قرآن است و زن در تطبیق با الگو بررسی می‌شود. نکته دیگر، عدم جامعیت آیات با موضوع زن در پژوهش‌ها و انجام بررسی موردی مثل موضوعات تاریخی، مسائل حقوقی و یا جایگاه ارزشی زن است. همچنین بررسی آیات به منظور دریافت الگوی زندگی برای انطباق با زمان حاضر از موارد دیگری است که فقدان آن در مقالات فوق دیده می‌شود.

در پژوهش حاضر، به دور از نگاه مقایسه‌ای و یا تلاش جهت اثبات تساوی در جایگاه زن و مرد، آیات مرتبط با موضوع زن در قالب متنی واحد و منسجم در نظر گرفته می‌شود تا ابتدا از طریق تحلیل محتوا، محورهای بیانی آن استخراج شده و سپس با درک ارتباط آیات، بتوان نظام بیانی حاکم بر این آیات را ترسیم کرد.

۲. روش تحقیق

یکی از روش‌های مناسب برای تبیین و تحلیل متون، استفاده از روش «تحلیل محتوا» است. به کمک تحلیل محتوا می‌توان محورهای و خطوط اصلی یک متن را شناخت و برجسته نمود. تحلیل محتوا یکی از فنون تحقیق است که برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام به کار می‌رود و هدف آن تحقیق کردن است (باردن، ۱۳۷۵، ص ۳۵). تحلیل محتوا مقوله‌بندی همه اجزای یک متن در جعبه‌های مختلف است. بدین ترتیب، مقدار اجزای عناصری که در هر جعبه مرتب شده‌اند متن را مشخص می‌کنند (رسولی و امیرآشنائی، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

درحقیقت، تحلیل محتوا درباره متنی معنا پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده و دارای ماهیتی مشخص باشد. به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها به صورت نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کنند.

این روش با تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های استخراج‌شده از متن، جهت‌گیری و نقش هر کدام را بیان و چهارچوب حاکم بر آنها را کشف می‌کند. تحلیل محتوا درحقیقت فن پژوهشی عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و... برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولات است (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹).



در حال حاضر تحلیل محتوا را به دو دسته کلان کمی و کیفی تقسیم نموده‌اند. با استفاده از روش‌های کمی می‌توان جنبه‌های مشاهده‌پذیر یک پدیده را که قابل اندازه‌گیری است، مورد بررسی قرار داد (رسولی و امیرآشنایی، ۱۳۹۰، ص ۳۱). تحلیل کیفی دارای ویژگی‌های خاصی است؛ به‌ویژه برای استنتاج‌های خاص در مورد یک حادثه یا در مورد یک متغیر استنباطی مشخص، معتبر است، ولی در مورد استنباط‌های کلی مفید نیست. تحلیل کیفی می‌تواند در مورد پیکره‌های محدود عمل کند و مقوله‌های متمایزتر و برجسته‌تر به دست دهد؛ زیرا مانند تحلیل کمی به مقوله‌هایی با بسامدهای زیاد که امکان محاسبه را می‌دهند بستگی ندارد (باردن، ۱۳۷۵، ص ۱۳۲). تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج به‌وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

یکی از فنون تحلیل محتوا، فن «تحلیل محتوای مضمونی» است. در این روش، به جای استفاده از مقیاس‌ها و مقوله‌های ازپیش‌تعیین‌شده، مضامین پیام‌ها سنجیده می‌شود. از نظر اسمیت، صاحب‌نظر برجسته در این تکنیک، تحلیل محتوای مضمونی، کدگذاری محتوا یا سبک پیام‌ها است که باهدف ارزیابی ویژگی‌ها یا تجارب افراد، گروه‌ها یا دوره‌های تاریخی صورت می‌گیرد (نئوندوف، ۱۳۹۵، ص ۱۹۲-۱۹۳). این روش جنبه اکتشافی دارد؛ یعنی پژوهشگر بدون در نظر داشتن فرضیه، تحلیل را از خود متن آغاز می‌کند و پس از کدگذاری و سنجش مضامین مستخرج از متن، می‌تواند به تحلیل کیفی و تفسیر یافته‌های تحقیق بپردازد و پس از کدگذاری، با دسته‌بندی مضامین مستخرج از متن می‌تواند فراوانی کلمات و مضامین را بسنجد. براین‌اساس، کیفیت محتوایی داده‌ها، مورد تفسیر، تأویل و تعبیر قرار می‌گیرد.

پژوهش حاضر بر اساس فن تحلیل محتوای مضمونی در طی مراحل زیر انجام می‌شود:

الف) استخراج آیات به‌عنوان مبنا و واحد تحلیل، به دو صورت انجام گرفت: در مرحله اول، جست‌وجو با کمک کلیدواژه‌های نساء، زوجه، ازواج، امراء، مریم، ام، امهات، اخت، اخوات و ضمایر مونث انجام گرفت و در مرحله دوم برای اطمینان از صحت کار، جست‌وجو به‌صورت دستی با قرائت کل قرآن انجام پذیرفت. لازم به ذکر است اگر در انتخاب آیه با تردید مواجه می‌شدیم، با مراجعه به تفسیر المیزان، از صحت انتخاب خود اطمینان حاصل می‌شد. **معیار اصلی در انتخاب آیات، ارتباط ظاهر آیه با موضوع زن بوده است.**

ب) نتیجه جست‌وجو، استخراج ۲۴۷ آیه مرتبط با موضوع زن بود که در جدولی مشابه جدول زیر جمع‌آوری شد. سپس پیکره آیات، مفاهیم و مضامین اصلی، نقطه تمرکز، دامنه بیان و نوع بیان آیات در جدول تعیین گردید. داده‌های جدول در حین کار و پیش از تجزیه و تحلیل، چندین بار بازخوانی و اصلاح گردید.

ردیف	آیه	ترجمه	پیکره	مضمون اصلی	نقطه تمرکز	دامنه بیان	نوع بیان
۱	وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (بقره: ۳۵).	و گفتیم: ای آدم! خود و زنت در بهشت جای گیرید. و هرچه خواهید، و هر جاکه خواهید، از ثمرات آن به خوشی بخورید. و به این درخت نزدیک مشوید، که به زمره ستمکاران درآیید.	تاریخی	دین با تمرکز بر خانواده	خانواده، اساس خلقت	همسر	امری

لازم به ذکر است که در ترجمه آیات، از ترجمه عبدالحمید آیتی استفاده شده است. همچنین منظور از دامنه بیان، تعیین حوزه مسئولیت زن از دیدگاه قرآن، و منظور از نوع بیان، تعیین گفتار امری، تمجیدی و یا توبیخی قرآن نسبت به زن است.

ج) با دسته‌بندی مضامین و مفاهیم مشترک در هر ستون، مقوله‌های متن به دست آمد و هر مقوله به طور مجزا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به عنوان نمونه، مفاهیم ستون مضمون اصلی، در سه مقوله دین (اصول دینی حاکم بر فرد و اجتماع)، خانواده (اشاره به اصول دینی حاکم بر خانواده) و دین در بستر خانواده (بیان اصول دینی به کمک بستر خانواده) دسته‌بندی شد. در این قسمت از پژوهش، تحلیل‌ها بر مبنای ظاهر آیات صورت گرفت و هر تحلیل با اشاره به یک نمونه از آیات مستند گردید. برخی مواقع نیز از نکات تفسیری مفسران استفاده شد.

د) در تحلیل مقوله‌ها، مضامین و معانی اساسی در مقوله‌ها بررسی شد و اصل پرتکرار در مقوله‌ها به عنوان مؤلفه تحلیل، تعیین گردید. به عنوان نمونه، در ستون نقطه تمرکز، مفاهیم عفت، تکریم و حرمت زن، دین و زن، از مفاهیم پرتکرار و دارای بسامد بالا است. مفهوم عفت به عنوان مؤلفه شاخص، تحلیل و بررسی شد. تکریم و حرمت به عنوان مؤلفه‌ای در بخش خانواده تحلیل شد که مهم‌ترین موضوع قرآن در حوزه زن است. سه مؤلفه تقوا، ایمان و یاری انبیا نیز در مفهوم دین و زن به عنوان محور معیار بررسی گردید.

ه) بر مبنای مؤلفه‌های به دست آمده، مدل نظام بیانی حاکم بر آیات با موضوع زن ترسیم شد.

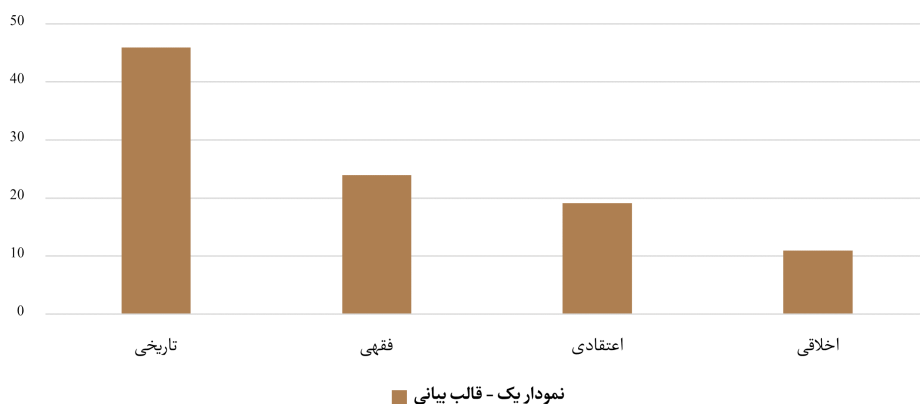
۳. دستاوردهای پژوهش

اگر آیات مورد بحث را به عنوان یک متن واحد حول موضوع زن در نظر بگیریم، با کمک داده‌های جدول پژوهش، می‌توان متن را برای تجزیه و تحلیل، در مقوله‌های زیر تقسیم کرد:

۳-۱. قالب بیانی آیات

هر متن به جهت ارائه مطالب و مقاصد نویسنده، دارای گونه‌ای از قالب‌های بیانی است که برای وصول به مطلوب گوینده به کار می‌رود. قالب‌های بیانی، نقش راهنما برای تحلیل متن را دارند. طبق نمودار یک، بافت تاریخی در بیان آیات دارای بسامد بالایی است.

نمودار یک - بسامد قالب بیانی



داستان‌های تاریخی قرآن همواره بیانگر روند تکاملی و حرکت استکمالی در طول تاریخ بوده‌اند (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۴۲). هدفمندی و غایتگرایی، از جمله اصولی است که بر داستان‌ها و قصه‌های قرآن حاکم است. برای حصول این اصل، قرآن علاوه بر ذکر نمونه‌های عینی، فرمول‌هایی را ارائه می‌دهد که منجر به تکامل و رسیدن به ترقی و رشد می‌شود و نتیجه فرمول‌هایی را که منجر به انحطاط و سقوط شده نیز به طور محسوس بیان کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۶۶-۶۸). به عنوان مثال، سرگذشت حضرت مریم (س) از تولد تا وحی به او (آل عمران: ۳۴-۳۷ و ۴۳-۶۱ و مریم: ۱۶-۲۹) و برگزیده شدن وی از سوی خداوند^۱، در سوره آل عمران و سوره مریم به تفصیل بیان شده و در نهایت در سوره تحریم با ذکر علت انتخاب وی از سوی خداوند (تحریم: ۱۲)، به عنوان الگوی تمام مؤمنان معرفی گردید (تحریم: ۱۱).

۱. «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۴۲).

در دیدگاه قرآن، تاریخ به عنوان شاهی زنده و پرمحتوا برای برانگیختن انسان به سوی هدایت، نقش معلم و راهنما را ایفا کرده است و تاریخ را از جهت یادآوری، سودمند می‌داند.^۱ لذا رخدادهایی از تاریخ در قرآن یاد شده است که اولاً شایسته به خاطر سپردن هستند. ثانیاً این شایستگی برای این است که بتوان قوانین زندگی توحیدی را از آن استخراج کرد. مهم‌ترین اسلوب بیانی قرآن در مواجهه با تاریخ زن، تکیه بر نجات است. به عبارت دیگر، قالب بیانی تاریخ زن، تاریخ نجات است. شخصیت‌های تاریخی مونث در قرآن، سیزده مورد هستند که تنها در دو مورد از این شخصیت‌ها، تاریخ هلاک (همسر نوح و همسر لوط) بیان می‌شود و بقیه موارد، سخن از تاریخ نجات (ملکه سبا و همسر عزیز مصر)، تمجید و تعریف (مادر مریم، مادر و خواهر موسی) و برگزیده خداوند (حضرت مریم) است.

اگر قرآن، پیام هدایتی و هشدارهای گمراهی را از طریق تاریخ بیان می‌کند، یادآوری این نکته است که سنت‌های الهی بدون تغییر^۲ در طول تاریخ جریان داشته است.^۳ لذا بر اساس سنت بدون تغییر الهی، شخصیت‌های تاریخی (حضرت مریم (س) و آسیه همسر فرعون)، الگوی هدایت برای تمام مؤمنان (تحریم: ۱۱)، و از سوی دیگر، دو تن از همسران انبیا (همسر نوح و همسر لوط) (تحریم: ۱۰) را به عنوان الگوی گمراهی برای کفار معرفی می‌کند. بررسی زندگی این چهار زن نشان می‌دهد که هیچ‌کدام در سعادت یا ضلالت خود، به شخصیت مرد به عنوان همسر وابسته نبوده و مسیر زندگی را آزادانه انتخاب کرده‌اند. این دلیل آزادی زن از نگاه قرآن است که در وقایع تاریخی قرآن نهفته است.

۲-۳. موضوع بیانی آیات

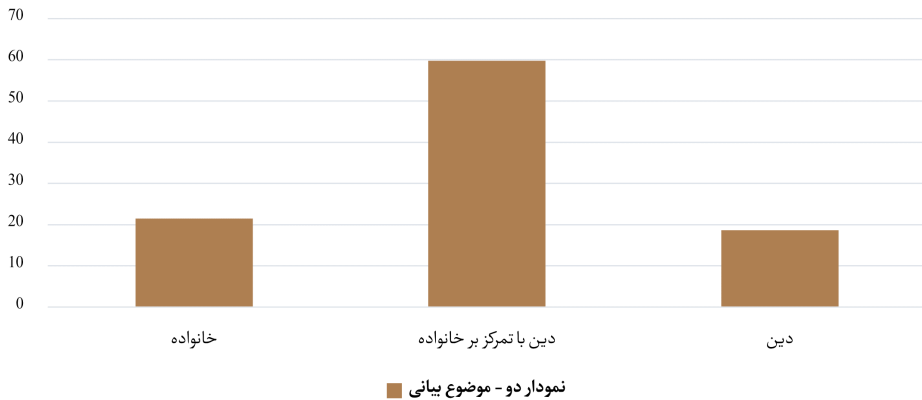
خانواده و اجتماع به عنوان دو بستر زیست زن در آیات بیان شده است که تفکیک این دو بستر در آیات، امکان‌پذیر نیست؛ زیرا بسیاری از موارد، مباحث اجتماعی زن در قالب خانواده صورت گرفته است؛ از جمله داستان آدم و حوا و یا داستان حضرت موسی.

۱. «قَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَ مَرَقْنَاهُمْ كُلَّ مِرْقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» بر خویشتن ستم کردند و گفتند: ای پروردگار ما! منزلگاه‌های ما را از هم دور گردان. ما نیز افسانه روزگارشان گردانیدیم و سخت پراکنده‌شان ساختیم و در این عبرت‌هاست برای شکیباییان سیاسگزار» (سبا: ۱۹).

۲. «... لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا...» تو در سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت» (فتح: ۲۳).

۳. «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِيْنَ خَلَقُوا مِنْ قَبْلُ...» این سنت خداوندی است که در میان پیشینیان نیز بود» (احزاب: ۶۲).

نمودار دو - بسامد موضوع بیانی



موضوع خانواده به عنوان مهم‌ترین موضوع در حوزه زن، در دو جهت در آیات دیده می‌شود. اول، مسیری که در آن به مسائل فقهی، اخلاقی و اعتقادی حاکم بر خانواده می‌پردازد و مسیر دوم که معارف دینی و اعتقادی فردی و اجتماعی را با تمرکز بر خانواده بیان می‌کند. موضوع بعدی که در آیات موردنظر دیده می‌شود، معارف دینی و اعتقادی زن در اجتماع است که در این آیات، گاهی زن به تنهایی مورد خطاب و گفت‌وگو است و گاهی همراه با مرد به عنوان اعضای یک جامعه، مورد بحث و گفتگو هستند.

بررسی آیات نشان می‌دهد که خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین موضوع قرآن در حوزه زنان است. حضرت آدم قبل از ورود به زمین، به صورت «انت و زوجک»^۱ مورد خطاب قرار گرفت. با این بیان، خانواده حتی قبل از ورود انسان به زمین، کانون خلقت و حیات بوده است. آغاز خلقت بشر، نه تک جنسیتی بوده و نه به صورت دو جنس جدا از هم؛ بلکه خلقت انسان در قالب خانواده آغاز شده است. توصیف شرایط زندگی بهشتی^۲ در برخی آیات نشان می‌دهد که زندگی در بهشت نیز در قالب خانواده است. توصیف آغاز و سرانجام انسان در قالب خانواده بیانگر آن است که تشکیل خانواده، يك سنّت جاری الهی و امری فطری است.^۳

۱. «وَاٰدَمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ...» وای آدم! تو و همسرت در این بهشت ساکن شوید» (اعراف: ۱۹).

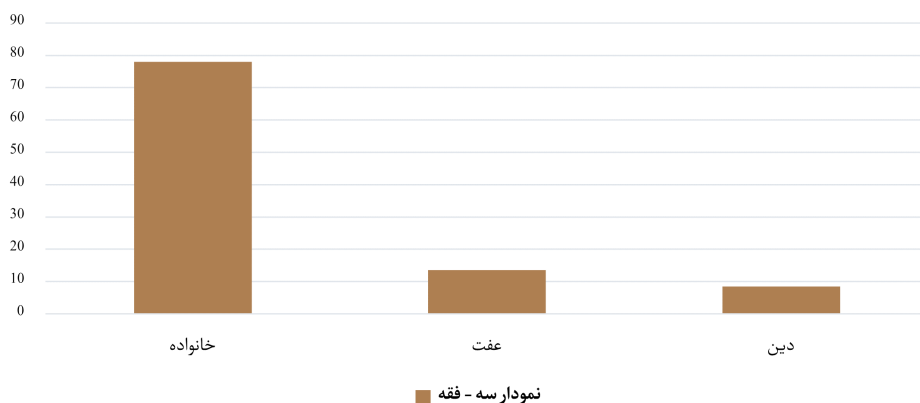
۲. عبارت «ازواج مطهره» در آل عمران: ۱۵.

۳. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...» به یکتاپرستی روی به دین آور. فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت بیافریده است» (روم: ۳۰).

در فرهنگ قرآن، همان گونه که اساس خلقت، خانواده است،^۱ آغاز نسل و تداوم آن نیز منحصر در خانواده است.^۲ خانواده، کانون سلامت (قصص: ۲۷) و نجات از فسق و فجور است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۴، ذیل آیه ۱۸۷ سوره بقره) و خانواده صالح، آرزوی عباد الرحمن یا بندگان خاص خداست (همان، ج ۱۵، ص ۲۴۴، ذیل آیه ۷۴ سوره فرقان). در اهمیت خانواده به عنوان مهم ترین بستر زیست زن، همین بس که ۷۶ درصد از مباحث دینی زن، با تمرکز بر خانواده بیان شده است (نمودار ۲). قرآن، خانواده را بستری برای زندگی معنوی زن و حرکت او به سوی خدا قرار داده^۳ و آیه ۲۱ سوره روم، خانواده را آیه و نشانه ای از قدرت و ربوبیت خدا دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۶۵).

۳-۲-۱- موضوعات فقهی

نمودار سه - بسامد حوزه احکام فقهی



اهمیت و ارزش خانواده وقتی بیشتر آشکار می گردد که بدانیم بیشترین آیات فقهی مورد بحث، در حوزه خانواده است؛ احکامی که در راستای ایجاد، حفظ و استحکام خانواده بیان شده است (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۵۳). در مورد اعمال عبادی مثل نماز و روزه، احکام فقهی قرآن، کلیات را بیان می کند؛ اما در حوزه خانواده، احکام فقهی با تمرکز بر مسائل جزئی و با جهت گیری اخلاقی بیان شده است.

۱. «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا...؛ شما را از يك تن بیافرید. و از آن يك تن، زنش را آفرید» (زمر: ۶).

۲. «نَسَاؤُكُمْ خَزَنَةٌ لَكُمْ...؛ زنانان کشتزار شما هستند» (بقره: ۲۲۳).

۳. «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا...» (آل عمران: ۳۵).

اصل حاکم بر آیات فقهی خانواده، در مرحله اول، حفظ خانواده، و در مرحله بعد، حفظ حرمت و شأن انسانی زن است. واژه «أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ»^۱ نشانه تلاش شارع برای بقای خانواده (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۳۷۰) و نشانه میزان محبوبیت آن در نزد خداوند است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۲۸). آیات فقهی خانواده، از مبنای تشکیل خانواده (نساء: ۲۳-۲۴) تا تداوم خانواده (بقره: ۲۲۹) بر اساس دین سخن می‌گویند و با تأکید بر پرداخت مهریه زن (نساء: ۴) می‌خواهد خانواده اخلاق مدار را ترسیم کند تا خانواده، منشاء فضیلت‌های اخلاقی در جامعه گردد. همچنین برای پایداری و ثبات خانواده، اولاً موضوعیت طلاق را در صورت عدم امکان زندگی، بر پایه حکم الهی، مشروع می‌داند (بقره: ۲۲۹). ثانیاً با طرح بحث‌های مختلف (بقره: ۲۲۶-۲۳۱)، طلاق را برگشت پذیر می‌شمارد (بقره: ۲۳۲) و نقش زن در حفظ حرمت خانواده را شامل احکام بعد از طلاق مثل نگه داشتن عده (بقره: ۲۲۸)، مجازات زناکار (نساء: ۱۵) و عفت (احزاب: ۵۳-۵۵) بیان می‌کند.

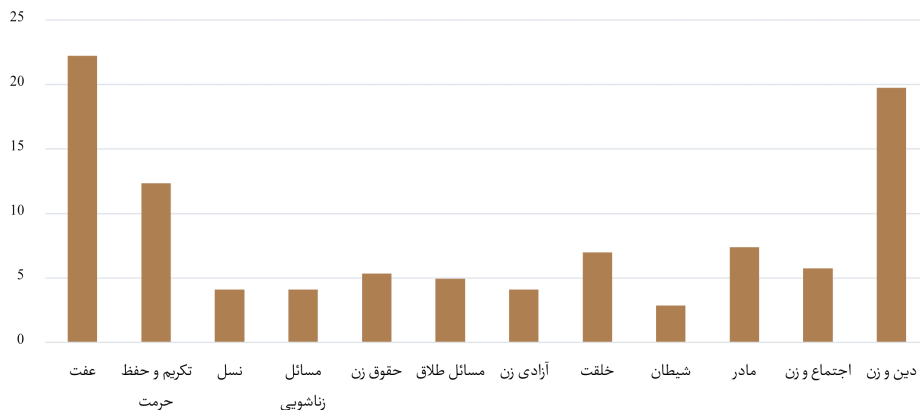
از میان ادیان الهی، دین اسلام بیشترین توجه خود را به بعد جنسی زندگی خانوادگی معطوف کرده و این امر را مقدس شمرده است (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۶۶-۲۶۷). فلسفه آیات فقهی فراوان در مسئله زناشویی، ریشه در نقش خانواده در تربیت نسل دارد. از نظر همه روان‌شناسان، مقدمات اخلاق و رفتار، در محیط خانواده گذارده می‌شود که نقش فوق‌العاده و بعضاً مادام‌العمر در تربیت کودک دارد (قائمی، ۱۳۷۳، ص ۱۷). چه بسا که عدم رعایت این احکام باعث شکستن حریم خانواده می‌شود و می‌تواند سرچشمه انحرافات اخلاقی و بیماری‌های روانی فرزندان گردد. خانواده به عنوان بستر سالم و صحیح برای پرورش انسان از آن جهت اهمیت دارد که انتظار اعتقاد دینی و عمل به اعتقادات از فردی که در اثر تربیت نادرست، دارای روانی بیمارگونه و پریشان است، بیهوده به نظر می‌رسد (همان).

۳-۳. شاخصه بیانی آیات

از آنجاکه آیات مورد بحث، باتوجه به موضوع زن استخراج شده است، نقاط تمرکز آیات نیز باتوجه به ارتباطی که می‌تواند با زن داشته باشد، مورد توجه قرار گرفته است. از میان موارد اشاره شده در نمودار ۴ به عنوان نقطه تمرکز آیات، موردی که بتواند به عنوان یک خصلت عمومی برای زن محسوب شود و شاخصی باشد که بتوان بر مبنای آن زن را توصیف به نیکی یا بدی نمود، خصلت عفت در زن است. همان طور که مشاهده می‌شود خصلت عفت به عنوان بالاترین بسامد در نقاط تمرکز آیات جای گرفته است:

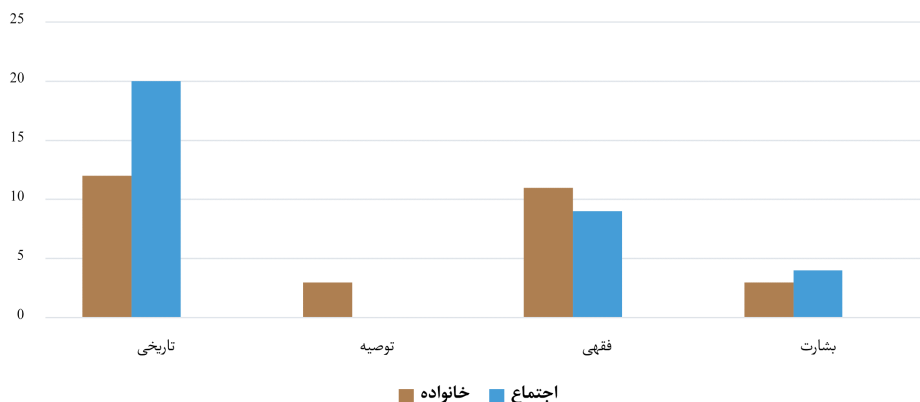
۱. «...وَبُؤْلُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ...؛ شوهرانشان به بازگرداندنشان سزاوارترند» (بقره: ۲۲۸).

نمودار چهار - بسامد نقطه تمرکز آیات



عفت شاخصه‌ای است که در تمام موقعیت‌های قرآنی برای زن دیده می‌شود و به عنوان نقطه تمرکز آیات با بسامد ۲۲ درصد استخراج شده است. این خصلت برای زن، در سه موقعیت همسر، مادر و عضو جامعه تعریف شده و قالب‌های بیانی آن نیز تاریخی، فقهی، توصیه و بشارت است:

نمودار پنج - بسامد قالب بیانی عفت



در علم اخلاق، عفت این است که قوه شهویه، تحت فرمان عقل باشد و از اوامر و نواهی آن پیروی کند تا کسب آزادی نماید و از اسارت و بردگی هواهای نفسانی خلاص گردد (نراقی، ۱۳۶۶، ص ۹۶). به عبارت دیگر، عفت به معنی پاکدامنی و خویش‌نهادی در برابر تمایلات بی بندوبار جنسی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۳۸) که می‌تواند دامنه وسیعی داشته باشد.

قرآن بی عفتی را ناشی از جهل و ظلم می‌داند (یوسف: ۲۳ و ۳۳) و تدبیر بر مبنای آن را کیدی عظیم (یوسف: ۲۸) برمی‌شمارد. وقتی که کید و تدبیر شیطان، در قرآن به کید ضعیف (نساء: ۷۶) تعبیر می‌شود، عظمت آثار بی عفتی زنان در جامعه باتوجه به آیه ۲۸ سوره یوسف، قابل تصور نیست. ۶۴ درصد از موارد عفت، به اجتماع و جامعه مربوط است. در این آیات، عفت به عنوان شاخصه تمجید و تعریف زن دیده می‌شود و کار اجتماعی زن بر مبنای حفظ حیا و عفت تعریف شده است (قصص: ۲۵). هرچه زن در حفظ عفت خود تلاش کند، میزان پذیرش تجلی الهی در او بیشتر می‌شود؛ چنان‌که حضرت مریم (س) به خاطر حفظ عفت، برگزیده خدا (آل عمران: ۴۲)، معجزه الهی (انبیاء: ۹۱) و الگویی برای مؤمنان تمام اعصار (تحریم: ۱۲) قرار گرفت. عفت زن، مایه حرمت و آبروی اجتماعی (مریم: ۲۷) و مایه حیات اوست (اعراف: ۱۱۴). علاوه بر این، حرمت و حیای زن، سبب حرمت و حیای جامعه است. آزار و شکنجه فرعون برای قوم بنی اسرائیل، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان بود (بقره: ۴۹). منظور از «یستحیون» در این زمینه، سلب حیا و عفت از زنان بنی اسرائیل است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۸۸). درواقع، فرعون برای سلب عزت و اقتدار قوم بنی اسرائیل و تسلط بر آنان، عفت را از زنان جامعه سلب می‌کرد.

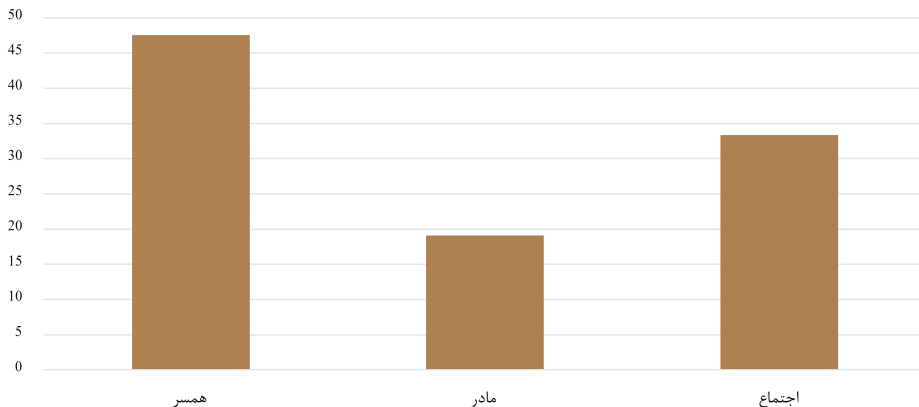
ارزش‌گذاری عفت در آیات، گاهی شامل آیاتی است که به طور مستقیم، زنان را به حفظ عفت، امر و توصیه می‌کند (نور: ۳۱) و پوشش را معیاری برای آن می‌داند (احزاب: ۵۹). همچنین تهمت به زن عقیفه را بهتان عظیم (نساء: ۲۵) و سبب لعن خدا بر تهمت زننده (نور: ۲۳) می‌داند. برای تهمت زننده به زن عقیف (نور: ۴) مجازات تعیین می‌کند و در مقام بشارت، یکی از پاداش‌های اخروی را ازدواج با زوج‌های پاکدامن (آل عمران: ۱۵) برمی‌شمارد.

در آیات با موضوع خانواده، در ۳۶ درصد، عفت به عنوان نقطه تمرکز آیه قرار گرفته است. وقتی خانواده، کانون مقدس به شمار می‌رود، عوامل پایداری خانواده نیز ارزشمند می‌شود. عفت، مایه آبروی خانواده است (مریم: ۲۸). رابطه عفت و خانواده، رابطه متقابل است؛ چنان‌که خانواده نیز نقش اصلی در فراهم آوردن مقدمات شکل‌گیری خصلت عفاف در وجود انسان دارد و تربیت صحیح پدر و مادر می‌تواند کمک فراوانی به انسان در رسیدن به این فضیلت اخلاقی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۵۷). براین اساس، مردان به ازدواج با زن پاکدامن (نساء: ۲۵) توصیه و از ازدواج با زن زناکار (نور: ۳) نهی شده‌اند. همچنین قرآن، بی عفتی زن را در خانواده توبیخ (نساء: ۲۵)، و برای زنی که دچار مرتبه‌ای از بی عفتی شده است، مجازات تعیین می‌کند (نور: ۲). علاوه بر این، آیاتی که موضوع عفت را در قالب احکام فقهی بیان کرده‌اند، دلیلی بر وجوب عفت برای زن از دیدگاه قرآن هستند که عدم آن و تهمت عدم آن برای زن، دربردارنده مجازات اخروی (احزاب: ۵۸) است.

۴-۳. تکلیف بیانی آیات

باتوجه به نمودار ۴، برخی از نقاط تمرکز آیات، بیانگر حوزه مسئولیت زن می باشد. مسئولیت زن در قرآن در سه موقعیت همسر، مادر و عضو جامعه توصیف شده است.

نمودار شش - بسامد تکلیف بیانی



از نظر تاریخی، اولین موقعیتی که برای زن توصیف شده است، همسر بودن اوست (بقره: ۳۵). تاریخ زن در قرآن، از موقعیت همسر بودن او آغاز می گردد. در خانواده، حقوق و تکالیف زن در مقابل مرد، برابر است (بقره: ۲۲۸). زن به عنوان همسر در خانواده، حامی مرد (بقره: ۱۸۷) و مایه آسایش و آرامش اوست (اعراف: ۱۸۹). عفت زن، مایه سلامت خانواده (نساء: ۲۵) و ارتباط زناشویی زن، تنها با همسر خود است (نساء: ۲۴). این ارتباط، راه حفظ زن و مرد از فسق و فجور است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۶۶، ذیل آیه ۲۴ سوره نساء).

از جمله مواردی که در آیات فقهی به عنوان حقوق زن بیان شده، حفظ حرمت (بقره: ۲۲۲) و کرامت زن (نساء: ۱۹)، توجه به نیاز جنسی زن (بقره: ۵۷)، ارث از همسر (نساء: ۷)، طلاق اخلاق مدار (احزاب: ۴۹)، رفتار اخلاقمند با زن بعد از طلاق (بقره: ۲۳۱)، حفظ منزلت زن و تکریم او بعد از طلاق (بقره: ۲۳۶) و آزادی در انتخاب زندگی بعد از طلاق (بقره: ۲۳۲) است.

مقام همسری زن، زمینه ای برای اقامه حدود الهی (بقره: ۲۳۰) و بستری از جنس عشق و محبت (روم: ۶۴) است که زن مایه آرامش و آسایش آن به شمار می رود (روم: ۲۱). زن در این موقعیت، در حریم الهی قرار گرفته است (طلاق: ۱) و خداوند بر او نظارت مستقیم دارد (مجادله: ۱).

قرآن تشکیل خانواده را میثاقی محکم می‌نامد (نساء: ۲۱) و جایگاه معنوی و الهی (فرقان: ۶۴) برای خانواده تثبیت می‌کند. وقتی قرآن جایگاه خانواده را تا مرتبه آیه‌ای از آیات الهی (روم: ۱۱) ارتقا می‌دهد، همسری صرفاً یک پیوند اجتماعی یا قراردادی نیست؛ بلکه جلوه‌ای از اراده الهی و مظهر آیات خداوند است.

زن در موقعیت مادر، واسطه خلقت (نساء: ۱) است. این امر، مقامی معنوی به مادر می‌بخشد که او را شایسته شکرگزاری می‌کند (لقمان: ۱۴). زن در این موقعیت، جایگاهی عظیم دارد؛ چنان‌که در برخی آیات، بعد از امر به عبودیت خداوند، امر به احسان و نیکی به پدر و مادر شده (انعام: ۱۵۱) است و این امر، عهدی الهی به شمار می‌رود (بقره: ۸۳). نیکی به پدر و مادر، امتیازی برای پیامبران (مریم: ۱۴) است. زن در مقام مادر می‌تواند مخاطب فرشتگان (هود: ۷۲) و وحی خدا (طه: ۳۸) قرار گیرد. از آنجاکه مادر، دوران حمل جنین و شیردهی را با رنج و زحمت طی می‌کند و رسالت مادری با ایثار و فداکاری پیوند می‌خورد (احقاف: ۱۵)، نخستین تجربه محبت، امنیت و تغذیه سالم در آغوش مادر تحقق می‌یابد. این موضوع، قداستی برای مادر به همراه دارد که امر وساطت را بین فرزندان ایفا می‌کند (اعراف: ۱۵۰).

مادر صالح می‌تواند نسلی صالح پیرورد. تربیت فرزند از جانب مادر، از دوران حمل جنین آغاز می‌شود. وقتی که مادر حضرت مریم، تربیت فرزند خود را در مسیر حق آغاز می‌کند (آل عمران: ۳۵)، فرزند نیز با اراده الهی، بعد از تولد، در مسیر حق باقی می‌ماند (آل عمران: ۳۵)؛ لذا صالح بودن فرزند، دلیل بر انگیزه معنوی مادر از حمل جنین خود است. این انگیزه می‌تواند در دوران شیردهی نیز استمرار یابد و فرزند را شاکر درگاه الهی نماید (احقاف: ۱۵). فرزند بهترین عامل اتصال معنوی مادر به اجتماع است. رفتار فطری و معنوی مادر، روح فرزند را نرم و ملایم می‌کند و عواطف اجتماعی و انسانی او را در خانواده رشد می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۴۶-۴۷).

بنابراین، نقش مادر به خانواده محدود نمی‌شود؛ بلکه نقش او از خانواده آغاز می‌شود و در جامعه امتداد می‌یابد. مانند مادر حضرت موسی (ع) که با وحی الهی، مسئولیت مادرانه خود را با مسئولیت دینی خود در اجتماع پیوند زد (قصص: ۷) و یا مادر حضرت مریم (س) که با نذر فرزند خود برای خدا (آل عمران: ۳۵)، مقام مادری خود را با عنایت ویژه خدا زینت بخشید (آل عمران: ۳۵). تربیت مادر با تلاش برای هدایت فرزند و با دعا و راهنمایی او (احقاف: ۱۷) همچنان ادامه دارد تا بنیاد جامعه را با نسل آینده بنا کند. نگاه توبیخی یا توصیف به بدی نسبت به مادر در قرآن دیده نمی‌شود؛ حتی در زمانی که مادر، فرزند را امر به شرک می‌کند، فرزند اجازه رفتار غیراخلاقی با مادر ندارد (آل عمران: ۴۲).

تکلیف سومی که قرآن برای زن تعریف می‌کند، حضور او در جامعه است. تلاش برای امرار معاش (قصص: ۲۳) از سویی و شرکت در کارهای اجتماعی مهم و سرنوشت‌ساز (آل عمران: ۶۱) از سوی دیگر، از جمله فعالیت‌های اجتماعی زن است که قرآن به آن اشاره دارد (نمل: ۲۳). سیره زن در حکمرانی، مشورت با زیردستان (نمل: ۳۲)، تدبیر عاقلانه (نمل: ۳۴)، استدلال عاقلانه (نمل: ۴۲) و تلاش برای صلح و امنیت (نمل: ۳۵) است. همچنین داستان ملکه سبا در سوره نمل، حاکی از این است که زن، تنها حکمران کافر در قرآن است که در مقابل دعوت انبیا مخالفت نمی‌کند و با تعقل، دعوت انبیا را می‌پذیرد (نمل: ۴۴).

موقعیت اجتماعی زن در جاهلیت، حکایت از نابرابری مطلق زن و مرد دارد (انعام: ۱۳۹)؛ به‌گونه‌ای که تولد دختر، سبب خشم خانواده (نمل: ۵۸) و در نتیجه مجبور به زنده‌به‌گور کردن آنها (نمل: ۵۹) می‌شدند. وظایف اجتماعی زن در قرآن، ریشه در اصل عبودیت جمعی دارد. زن همچون مرد، مکلف به مشارکت در امر به معروف و نهی از منکر (توبه: ۷۱)، مراسم عبادی (آل عمران: ۴۳) و بیعت با پیامبر (ص) (ممتحنه: ۱۲) شده است. امر به بیعت زنان با پیامبر به صراحت نشان می‌دهد که زن در جامعه اسلامی موظف به مشارکت در تصمیم‌های کلان امت و مسئول در قبال تعهدهای اجتماعی هستند.

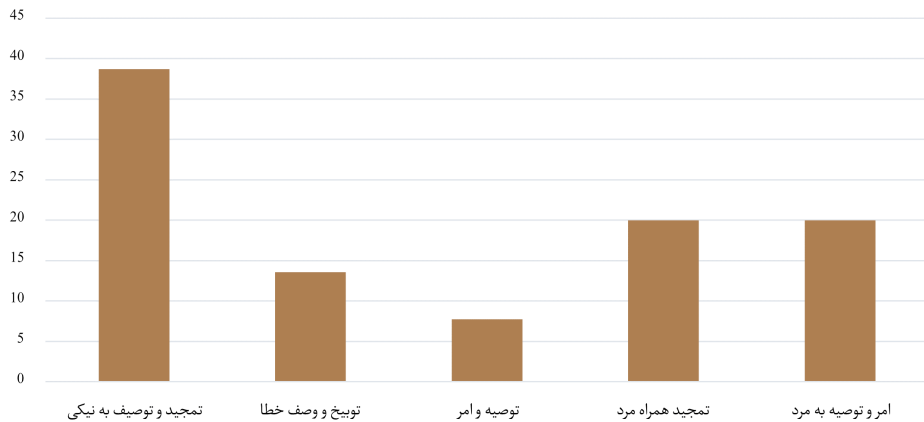
یاری انبیا (آل عمران: ۶۱)، اطاعت خدا و رسول (احزاب: ۳۶)، هجرت در راه دین (آل عمران: ۱۹۵) و همراهی انبیا در مبارزه با فساد (حجر: ۷۱)، از دیگر وظایف زن در جامعه است تا بتواند به مقامی در جامعه برسد که الگوی افراد جامعه باشد (تحریم: ۱۱-۱۲). همچنین زن در تعیین سرنوشت اجتماعی خود آزاد است (احزاب: ۲۸) و نتیجه عمل او بر عهده خود اوست (احزاب: ۳۰) و تکلیف اجتماعی اوست که سرنوشت او را رقم می‌زند (تحریم: ۱۰-۱۲).

۳-۵. معیار بیانی آیات

مدح و ذم قرآن به منزله آینه‌ای است که مراتب صعود و سقوط انسان را در نسبت با حق تعالی نشان می‌دهد و این بیانگر دو وجه تمجید و توبیخ در سرشت آدمی است؛ یعنی او استعداد نیل به سعادت و یا شقاوت را دارد. توصیه و امرهای قرآن نیز در جهت قرار گرفتن انسان در مسیر سعادت است. بیش از ۶۸ درصد آیات مورد مطالعه، شامل تمجید، توبیخ و یا توصیه و امر، در موضوع زن می‌باشد که به تفکیک هر مورد در نمودار ۷ قابل بررسی است:

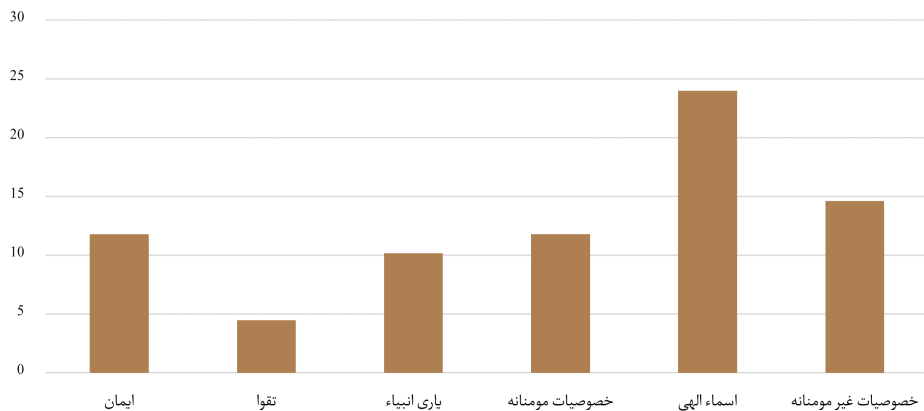
۱. «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۸).

نمودار هفت - بسامد تمجید و توبیخ و امر



بی‌شک قرآن برای نگاه ارزشی و ضد ارزشی خود نسبت به انسان معیارهای دارد که مبنای صعود و نزول انسان است. درحقیقت قرآن با این معیارها، نقشه حرکت انسان را در زندگی ترسیم می‌کند. در آیات مورد مطالعه نیز معیارهایی جهت تمجید، توبیخ و یا امر و توصیه نسبت به زن وجود دارد که در نمودار زیر قابل مشاهده است:

نمودار هشت - بسامد معیار بیانی



در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم، زن در مقام الگوی مؤمنان توصیف می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۴۴). حضرت مریم (س) به خاطر عفت و تصدیق وحی انبیا، و آسیه همسر فرعون که با وجود آزار و شکنجه فرعون، دست از ایمان خود برنداشت و از ظلم فرعون به پروردگار پناه برد، تمجید می‌گردند. همچنین مادر حضرت مریم (س) هنگامی که فرزند خود را نذر پروردگار

می‌کند و او را از شر شیطان در پناه خدا قرار می‌دهد (آل عمران: ۳۵)، نشان از ایمان و بینش توحیدی خالص خود دارد. آیه ۶۱ سوره آل عمران^۱ بالاترین مرتبه تمجید زن در قرآن است. زن در این آیه در جایگاهی توصیف می‌شود که اجابت دعایش حجتی است بر حقانیت پیامبر (ص). در برخی آیات، زن به طور عام تمجید شده است. زنی که مؤمن باشد و عمل صالح را بر مبنای ایمانش انجام دهد، پاداش بزرگی از جانب پروردگار در انتظار اوست (غافر: ۴۰). زن مؤمن، تمکین به حکم خدا و رسول خدا دارد (احزاب: ۳۶) و یاری پیامبر، اجر عظیمی برای او به همراه دارد (احزاب: ۲۹). زنانی که در راه خدا هجرت کنند و اذیت شوند پاداش آنان بهشت است (آل عمران: ۱۹۵).

جهان بینی قرآن، ایمان زن را معیار اصلی در موفقیت زندگی دینی او می‌داند. اولویت در ازدواج مردان، انتخاب زن مؤمن است (نساء: ۲۵). زن مؤمن، پیرو احکام فقهی خانواده است (بقره: ۲۲۸). یاری زن مؤمن، امر الهی است (ممتحنه: ۱۰). ایمان، اجر الهی را برای زن دارد (احزاب: ۳۵) و سبب فوز عظیم برای اوست (حدید: ۱۲). تهمت به زن مؤمن، سبب دوری از رحمت الهی می‌گردد (نور: ۲۳) و آزار زن مؤمن گناه است (احزاب: ۵۸). همچنین تقوای زن، عاملی است برای پذیرش احکام الهی در زندگی (طلاق: ۴) و سبب گذشت و احسان او در خانواده است (نساء: ۱۲۸).

دو نمونه از زنان که مورد توبیخ قرآن قرار گرفتند و دچار عذاب الهی شدند، کسانی بودند که در مقابل دعوت انبیای الهی ایستادند و مخالفت کردند (اعراف: ۸۳ و تحریم: ۱۱). حوا نیز به همراه آدم به خاطر پیروی از شیطان، مورد سرزنش الهی قرار گرفتند (اعراف: ۲۲) و سپس توبه کردند (اعراف: ۲۳). در زمان صدر اسلام، زنانی که باعث آزار پیامبر اسلام می‌شدند، توبیخ شدند (تحریم: ۴). در برخی آیات نیز توبیخ به صورت عام صورت گرفته است با این مضمون که اگر اطاعت امر الهی نکنید از ظالمان خواهید بود (بقره: ۳۵). به طور کلی معیار قرآن برای تمجید و یا توبیخ، جنبه دینی و الهی دارد تا جایی که می‌فرماید کسانی که خانواده خود را بر امر خدا و رسولش ترجیح دهد از فاسقین هستند (توبه: ۲۴).

علاوه بر این، بسامد بالای اسمای الهی در آیات نیز قابل تأمل است. اسماء غفور، رحیم، علیم، حکیم، خبیر و بصیر، ۸۳ درصد از اسماء را به خود اختصاص داده‌اند و ۱۷ درصد شامل اسماء سمیع، حلیم، قدیر، لطیف، رقیب، شهید و واسع است. وجود اسماء الهی در پایان آیات، دلیل دیگری بر این است که اوامر و توصیه‌های قرآن، در مسیر بینش توحیدی است. از سوی دیگر، تکرار صفات غیرمؤمنانه مثل ظالمین، فاسقین، کاذبین و... در آیات توبیخی و توصیف خطا، دلیل دیگری است بر تأیید معیارهای الهی آیات.

۱. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، صرف‌نظر از مقایسه زن با جنس مذکر و تمرکز بر این نکته که زن، زن است، جایگاه و نقش او در ابعاد فردی و اجتماعی، در آیات با موضوع زن، مورد تحلیل محتوای مضمونی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که اغلب آیات در قالب تاریخی و سپس قالب فقهی بیان شده است. آیات تاریخی بیانگر سنت ثابت و جاری الهی در زندگی زن است. یعنی دین در متن واقعیت تاریخی تحقق یافته و مفاهیم آن در بستر تجربه‌های انسان‌ها شکل گرفته و به‌صورت الگو ارائه شده است. فراوانی قالب فقهی آیات، آن هم در موضوع خانواده، بیانگر این است که زندگی زن در سایه حکمت خداوند برنامه‌ریزی شده و نتیجه فرمول‌های زندگی دینی، از قبل مشخص است.

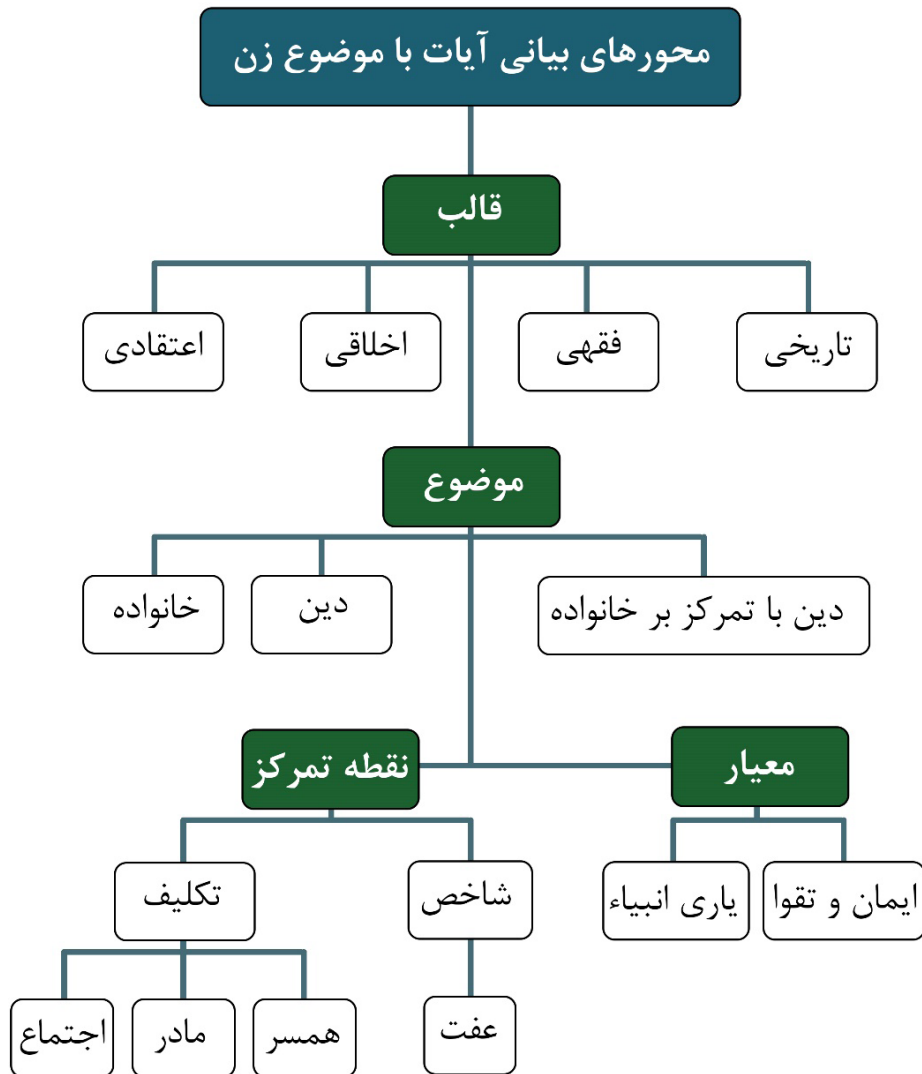
فراوانی موضوع خانواده در آیات، بیانگر اهمیت آن به‌عنوان بستر اصلی زیست زن است. زن مایه آرامش خانواده، و تحت احکام و قوانین حکیمانه خداوند با دریافت مقام مادر، مظهر خالقیت و ربوبیت خداوند در زمین است.

وجود شاخص عفت در آیات با موضوع زن، یعنی زن بودن، خود یک ارزش است. ارزشی که بر مبنای عفت شکل می‌گیرد و با نقش‌آفرینی در مسئولیت‌های همسر، مادر و اجتماع کامل می‌گردد. ارزشی که معیارمند می‌شود و معیاری که فارغ از مسئله جنسیت، طبقه اجتماعی و یا منزلت ظاهری، حقیقت معنوی زن را مورد خطاب قرار می‌دهد. ایمان، تقوا و یاری انبیا، مسیری است که الهی بودن وجود زن را یادآوری می‌کند و جایگاه ملکوتی «رضوانٌ مِنَ اللَّهِ» را برای او به ارمغان می‌آورد.

ارتباط میان محورهای بیانی آیات به این صورت قابل تبیین است که آیات با موضوع زن در قالب تاریخ، بیانگر روایت‌های محقق‌شده از دستورات الهی است. روایت‌هایی که در آنها ارزشی از جنس عفت با کمک احکام فقهی در بستر خانواده شکوفا می‌گردد و در جامعه همچون مسیری رخ می‌نماید تا زن را در این مسیر با ابزار تکالیف، فرایندی از تقوا، ایمان و یاری انبیا، بر سبک زندگی خود حاکم کند.

علاوه بر این، استناد به یک آیه در چند موضوع، استناد به چند آیه با قالب‌های متفاوت و استناد به یک آیه در نقاط تمرکز مختلف (شاخص، تکلیف و معیار)، دلیل ارتباط معنایی بین این گروه از آیات - باوجود پراکندگی آنها در قرآن - است.

وجود ارتباط بین آیات با موضوعات متفاوت نشان می‌دهد که می‌توان این آیات را یک متن منسجم واحد در نظر گرفت که دارای محورهای بیانی قالب، موضوع، شاخص، دامنه و معیار است. بنابراین می‌توان نظام بیانی حاکم بر این آیات را به صورت زیر ترسیم کرد.



نتایج این پژوهش می‌تواند زمینه و بستری باشد برای شکل‌گیری پژوهش‌های تحلیل فرامتنی که باتوجه به بسترهای تاریخی و اجتماعی نزول آیات، جایگاه و حقوق زن در ابعاد مختلفی از زندگی اجتماعی و فرهنگی او را تبیین می‌نماید.

فهرست منابع

قرآن کریم؛ ترجمه: عبدالحمید آیتی؛ تهران: سروش، ۱۳۷۴ ش.

۱. ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا؛ «تحلیل محتوای کیفی»؛ پژوهش، سال سوم، ش ۲، زمستان، ص ۱۴-۱۵، ۱۳۹۰ ش.
۲. آلوسی، سید محمود؛ **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳. باردن، لورنس؛ **تحلیل محتوا**؛ ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی؛ تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ ش.
۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ **نور الثقلین**؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۵. رسولی، مهستی و امیرآشنائی، زهرا؛ **تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی**؛ تهران: جامعه شناسان، چاپ دوم، ۱۳۹۳ ش.
۶. رشید رضا، محمد؛ **تفسیر المنار**؛ قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۰ م.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۸. قائمی، علی؛ **خانواده و مشکلات اخلاقی کودکان**؛ تهران: انتشارات امیری، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۹. مطهری، مرتضی؛ **اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب**؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. -----؛ **فلسفه تاریخ**؛ تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. -----؛ **تعلیم و تربیت در اسلام**؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ **تفسیر نمونه**؛ قم: دار العلم، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. -----؛ **اخلاق در قرآن**؛ قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. نراقی، ملامهدی؛ **جامع السعادات**؛ ترجمه: سید جلال الدین مجتبوی؛ تهران: حکمت، ۱۳۶۶ ش.
۱۵. نفوندوف، کیمبرلی ای؛ **راهنمای تحلیل محتوا**؛ ترجمه: حامد بخشی و وجیهه جلائیان؛ مشهد: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۵ ش.